

حد شرب خمر از دیدگاه اهل سنت و شیعه

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۱۲/۱۲)

مسلم دهقانی

چکیده

با توجه به مبانی اعتقادی و اصول اسلامی حاکم بر جامعه، شرب خمر و مسکرات از جمله بزه‌های کیفردار محسوب می‌شود. شراب و دیگر مسکرات نیز بدون در نظر گرفتن منبع تولید آن طبیعی یا مصنوعی در دین اسلام تحریم شده و شرب آن مستحق حد گردیده است. مسلمانان واقعی شیعه و سنی نیز در این باب با هم اجماع داشته و شرب خمر را حرام می‌دانند. تنها برخی از فرقه‌های گمراه و تحریف شده با قبول شرایطی شرب خمر را حرام نمی‌دانند. بر همین اساس هدف از نگارش این مقاله بررسی حدود و حکم شرب خمر از دیدگاه علمای شیعه و سنی می‌باشد. از مهمترین یافته‌های این تحقیق این است که در موضوع شرب مسکرات، فقه‌های شیعه و سنی هر دو آن را از گناهان کبیره دانسته و آن را مستحق حد و تعزیر دانسته‌اند، همچنین مواد صنعتی و شیمیایی و مخدری جدید و امروزی مانند روانگردان‌ها و... حکم مسکرات‌اند.

واژگان کلیدی: حد، شرب خمر، فقه، مسکرات، مستی، مواد روانگردان، گناه کبیره

مقدمه

تعریف حد خمر: حد بمعنی منع کردن بوسیله زدن یا کشتن از انجام عملی که خداوند آن را حرام کرده است، و حدود خداوند، همان اعمال، رفتار و گفتار حرام و نامشروعی هستند که خداوند به دوری و اجتناب از آنان امر کرده است و خمر (شراب) هر شراب و نوشیدنی که مسکر باشد، از هر ماده ای که باشد، شراب گفته می شود، رسول اکرم - صلی الله علیه و آله وسلم - می فرماید: «كُلُّ مُسْكِرٍ خَمْرٌ وَكُلُّ خَمْرٍ حَرَامٌ»^۱ «هر مسکر خمر است و هر خمر حرام است».

حکم نوشیدن خمر: نوشیدن شراب چه زیاد چه کم بنابر دستور قرآن و حدیث حرام است. خداوند درباره نهی از شراب و قمار می فرماید: {فَهَلْ أُنْتُمْ مُنْتَهُونَ} ^۲ «پس آیا دست بر می دارید» و می فرماید: {فَاجْتَنِبُوهُ} ^۳ «از آن بپرهیزید». و رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - می فرماید: «لَعَنَ اللَّهُ شَارِبَ الْخَمْرِ وَبَايَعَهَا» ^۴ «خداوند کسی را که شراب می نوشد یا می فروشد، لعنت کرده است».

شراب بلای خانمان سوز: امروزه کمتر کشوری است که در آن فساد، مواد مخدر و جرایم ناشی از مشروبات الکلی به عنوان یکی از معضلات و مشکلات اصلی آن محسوب نمی گردد. هرساله مبالغ هنگفتی صرف مبارزه با این فساد می گردد ولی کماکان شمار باندهای فساد و فحشا و تعداد قربانیان آن روز به روز افزایش می یابد. امروزه در کشور ایران نیز این موارد به طور قابل توجهی افزایش یافته است و مشکلات زیادی را در پیش روی صاحب نظران، عالمان و فقها قرار داده است. تحقیق و اجتهاد فقهی در مذاهب شیعه و سنی در این موارد یک امر ضروری است. در بحث حرمت شراب و دیگر مسکرات و همچنین مواد مخدر سنتی و جدید، ملاک های و علل زیادی همچون ایجاد مفسد و ضررهای روحی، جسمانی، طبی و روانی وجود دارد که بسیاری از دانشمندان از دیدگاه های مختلف آن را مورد بحث و بررسی قرار داده اند. در این باب نظر فقهای شیعه و سنی تا حد زیادی باهم مشابه است؛ اما در برخی موارد نظیر نوع الکحل (صنعتی یا تخمیری)، منشأ الکحل (گندم، جو، خرما و...) با هم

۱- مسلم -ابن ماجه و بسیاری از کتب حدیثی دیگر

۲- المائدة: ۹۱

۳- المائدة: ۹۰

۴- ابوداود و حاکم

متفاوت است که در این مقاله به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

شراب و به طور کلی «مسکرات» از بزرگترین بلاهای خانمان برانداز جامعه بشری بوده و هست. در نکوهش این سم مهلک، همین اندازه کافی است، که با بزرگترین سرمایه بشر و مایه امتیاز او از سایر جانداران، که همان «عقل و خرد» است، سر جنگ و مبارزه دارد. سعادت انسان در پرتو خرد تأمین می‌گردد، فرق انسان با سایر جانداران در همان قوای فکری است، و «الکل» دشمن بزرگ آن به شمار می‌رود. از این نظر، جلوگیری از نوشیدن مشروبات الکلی یکی از برنامه‌های پیامبران آسمانی بوده است. همچنین شراب، در تمام شرایع آسمانی محکوم به تحریم بوده است. در شبه جزیره عربستان، میخوارگی به صورت یک بلای عمومی، یک بیماری واگیر درآمده بود، که مبارزه قطعی و اصولی با آن نیاز به طول زمان داشت. امکانات محیط و شرایط و احوال عموم عرب نیز اجازه نمی‌داد که پیامبر خدا، بدون مقدمه آن را تحریم نماید، بلکه ناچار بود بسان یک طبیب، تدریجاً مزاج جامعه را آماده سازد تا مبارزه قطعی و نهائی صورت پذیرد.^۱

بخش اول: شراب از دیدگاه قرآن

پروردگار عالم در چندین جای از کتاب آسمانیش از آن مذمت کرده و در بعضی آیات آن را قرین با بت پرستی نموده است:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ »^۲

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شراب قمار و بتها و ازلام (که نوعی بخت آزمایی بوده) پلیدند و از عمل شیطانند از آنها دری کنید تا رستگار شوید.

در آیه دیگر فرموده است:

« إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ »^۳

شیطان می‌خواهد در میان شما به وسیله شراب و قمار عداوت ایجاد کند و شما را از

۱- سبحانی، ۱۳۷۵: ۱۲۹

۲- مائده/۹۰

۳- مائده، آیه ۹۱

ذکر خدا و از نماز باز دارد، آیا (با این همه زانی و فساد) خودداری خواهید کرد؟
 پر واضح است همان طوری که خداوند فرموده، شراب مایه و منشا عداوت و دشمنی
 است و آدمی را از یاد پروردگار باز می دارد، عقل را می برد، آدمی مجنون می گردد، شراب
 سرچشمه پلیدی است و بسیار مشکل است مرتکب آن بتواند خدا پرست شود؛ زیرا انسان
 به سبب عقل، خداپرست می گردد و کسی که عقل او زایل و گرفته شد، البته شیطان
 پرست می گردد، لذا امر به اجتناب از آن شده و نتیجه آن رستگاری است.

بخش دوم: روایات در پرتوی روایات و فقها

بررسی کتب فقهی نشان می دهد که بیشتر فقهاء و خصوصاً متقدمین در هنگام
 نامگذاری عنوان برای مباحث شرب خمر، عبارت «حدالمسکر و الفقاع» را انتخاب نموده اند؛
 لیکن بررسی تفصیلی موضوع حد شرب خمر و موجبات آن علاوه بر بحث پیرامون شرب
 خمر و آججو، به بحث پیرامون نوشیدن آب انگور تا زمانی که دو سوم آن تبخیر شده و یا به
 سرکه تبدیل شده، نوشیدن آن را هم حرام و هم از موجبات حد دانسته اند. دیدگاهی که به
 آن اشاره شد دیدگاه مشهور فقها بود لیکن برخی از متأخرین با ذکر دلائلی اعم از روایی و
 غیر روایی ضمن پذیرش حرمت آب انگور حکم به جریان حد شرب خمر را در این مورد
 نپذیرفته و آن را مخالف با احتیاط قلمداد کرده اند. به احتمال نزدیک به یقین حد شرب
 خمر به دنبال تحریم آن تشریع شده است و آن هشتاد تازیانیه است از روایات شیعه و اهل
 سنت معلوم می شود که رسول الله صلی الله علیه و آله ابتدا شارب الخمر را با لنگه کفش
 می زده، و سپس به هشتاد ضربه منحصر کرده است. برید بن معاویه می گوید: از امام
 صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: در کتاب علی علیه السلام آمده: به شارب خمر و
 شارب نبیذ هشتاد تازیانیه زده می شود:

«سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول: ان فی کتاب علی علیه السلام یضرب شارب الخمر
 ثمانین و شارب النبیز ثمانین»^۱ ضمناً در روایات آمده که اگر کسی دو دفعه شرب خمر کند
 و حد زده شود، در دفعه سوم مجازاتش اعدام است
 «عن ابی عبدالله علیه السلام قال: رسول الله صلی الله علیه و آله: من شرب الخمر فاجلدوه

فان عاد الثالثة فاقتلوه»^۱

در روایات برخی از فقهای اهل سنت در دفعه چهارم کشته می شود^۲ و نیز حکم همه گناهان کبیره همان است از امام کاظم علیه السلام نقل شده:

قال: «اصحاب الكبائر كلها اذا اقيم عليهم الحد مرتين، قتلوا في الثالثة»^۳

علامه طباطبایی، صاحب تفسیر المیزان عقیده دارد: «ظاهراً اصل در معنی کلمه زوال عقل به خاطر استعمال چیزی است که عقل را زائل می کند. بعضی از اندیشمندان اسلامی مسکر را عبارت از چیزی می دانند که موجب اختلال در نظم کلام و افشاء راز می گردد و به قولی: «چیزی است که موجب اختلال ادراک و عقل می شود و در اکثر مرتکبین به شرب خمر با شادی و توانایی کاذب همراه است». گفته شد، هر آنچه اثر آن فقط اختلال باشد (مرقد) نام دارد که خواب آواراست و حواس انسانی را از کار می اندازد و گرنه مفسد عقل است مانند بنگ و حشیش، صاحب جواهر الکلام میفرماید:

«اما ما یغیرالعقل لا غیر فهو المرقدان حصل معه تغیب الحواس الخمس و الا فهو المفسد العقل لما فی البنج و الشوکران»

نصیری سوادکوهی مرجع تشخیص مسکر و وجه فارق و ممیز را «مرقد» و مخدر از نظر «عرف» تعریف می کند.^۴ در کشور ما که نظام جزایی، مبتنی بر شریعت مبین اسلام است. خرید، فروش، حمل واردات نگهداری، ساخت و توزیع مشروبات الکلی و نیز مصرف مسکرات هم چنین دایر کردن مکان هایی برای شرب خمر، دعوت مردم به این اماکن و سایر موارد مربوط برابر مواد ۱۶۵ و ۱۷۵ و ۷۰۱ و ۷۰۲ و ۷۰۳ و ۷۰۴ قانون مجازات اسلامی و تعزیرات و مجازات های بازدارنده، جرم تلقی شده و مجازات هایی همچون تازیانه های حدی و تعزیری اعدام در صورت تکرار شرب خمر و اعمال مجازات های تازیانه حدی، حبس تعزیری و جزای نقدی حسب مورد برای مرتکب پیش بینی شده است.^۵

۱ - همان، ص ۲۱۸

۲ - در بحث حکم تکرار شرباخبار توضیح داده شده است.

۳ - همان، ۲۱۹

۴ - طباطبایی، ۱۳۸۶

۵ - زمانی، ۱۳۸۲: ۱۰۵

بخش سوم: حکم مواد مست کننده از نظر اسلام حکم مشروبات

حرمت مشروبات مست کننده در اسلام، معلوم و ضروری است، وهیچ مسلمانی نیست که از حرمت آن بی اطلاع و بی خبر باشد، قرآن نوشیدن مشروبات مست کننده را از عمل شیطان خوانده است چنانکه فرموده است:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ »^۱

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شراب قمار و بتها و ازلام (که نوعی بخت آزمایی بوده) پلیدند و از عمل شیطانند از آنها دری کنید تارستگار شوید.

در آیه دیگر فرموده است:

« إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ »^۲

شیطان می خواهد در میان شما به وسیله شراب و قمار عداوت ایجاد کند و شما را از ذکر خدا و از نماز باز دارد، آیا (با این همه زانی و فساد) خودداری خواهید کرد. در روایات عدیده شراب، مبدأ دچار شدن به گناهان دیگر دانسته شده، چنانکه معتبرترین شاگردان امام باقر و امام صادق علیهما السلام یعنی حلبی، زراره، محمد بن مسلم، و حمران بن أعین از آن دو بزرگوار نقل کردند که آنها فرمودند:

« ان الخمر رأس كل اثم »^۳

یعنی: بدرستی که شراب مبدأ همه گناهان است.

در روایت دیگری بر اساس نقل زید شحام، امام صادق (ع) از رسول خدا نقل کردند که آن حضرت فرمودند:

« ان الخمر رأس كل اثم »^۴

امام صادق (ع) فرمودند:

« ان الله جعل للشرا أقفالا وجعل مفاتيح تلك الأقفال الشراب »^۱

۱- مائده/۹۰

۱- مائده، آیه ۹۱

۲- وسائل الشیعه ج ۲۵ باب ۱۲ از ابواب اشربه محزمه ص ۳۱۵

۳- وسائل الشیعه ج ۲۵ باب ۱۲ از ابواب اشربه محزمه حدیث ۱ ص ۳۱۵

یعنی: بدرستی که خداوند برای بدی قفل هائی قرار دادند و کلید این قفل ها را شراب قرار دادند. ابوبصیر از امام محمد باقر یا از امام صادق (علیهما السلام) نقل کردند که فرمود: «ان الله جعل للمعصية بيت، ثم جعل للبيت بابا، ثم جعل للباب غلقا، شى مفتاحا، فمفتاح المعصية الخمر»

یعنی: خداوند متعال برای معصیت خانه ای قرار داد، برای خانه دری قرار داد قفلی قرار داد، برای قفل کلیدی قرار داد، کلید معصیت شراب است.

اسلام برای پیشگیری از شرابخواری و رواج این ماده پلید و عمل شیطان و شیوه کاربردی با دو گونه مبارزه را در برنامه خودش قرار داده است، شیوه اول عبارتست از مبارزه منفی با شرابخوار یا تحریم شرابخوار که براساس این شیوه، مؤمنین موظفند ارتباطات اجتماعی با شرابخوار را قطع نمایند و از پیوند با او خودداری نمایند، چنانکه بر اساس نقل حمادین بشیر، امام صادق از رسول خدا [روایت کردند که آن حضرت فرمودند: کسی که بعد از آنکه خداوند متعال شراب را بر زبان من حرام کرد، شراب نوشید، اهلیت ندارد هرگاه خواستگاری نمود، دختر یا بیوه را به ازدواج او در آورید هرگاه خبری داد او را تصدیق و باور نمائید، هرگاه شفاعت خواست او را شفاعت نمائید، و بر امانتی او را امین قرار دهید، هر کسی که شرابخوار را بر امانتی امین قرار داده شرابخوار امانت را بلعید یا آن را ضایع نمود، امانت گذار بر خداوند متعال حق پیدا نمیکند که در مقابل ضایع شدن امانت به او اجرت و پاداش دهد، یا خداوند آن را جبران نماید.

امام صادق می گوید: من قصد داشتم که مالی را تا یمن به امانت بسپارم، به نزد امام محمدباقر آمدم، به او عرض کردم: من میخواهم مالی را به فلانی به عنوان امانت تحویل دهم، امام باقر در مقابل گفتار فرمود: آیا نمی دانی او شراب می نوشد؟ عرض کردم: از ناحیه مؤمنین به من خبر رسید که مؤمنین می گفتند فلانی شراب می نوشد امام باقر فرمود: مؤمنین را تصدیق نما، زیرا خداوند عزوجل میفرماید: «به خدا متعال و مؤمنین ایمان می آورند» توبه: ۶۱. سپس امام محمد باقر فرمود: اگر تومال خودت را به امانت دادی، مال نابود یا ضایع گردید، حقی بر خداوند متعال نداری مقابل ضایع شدن مال به تو پاداش دهد یا جبران نماید. امام صادق فرمودند: مال

خودم را به شرابخوار دادم، او آن مال را ضایع کرد، خداوند متعال را خواندم که به من پاداش دهد، امام باقر فرمودند: ای پسرم ساکت باش، حقی بر خدا نداری که به تو پاداش دهد یا برایت جبران نماید، عرض کردم چرا حقی ندارم؟ فرمود: برای اینکه خداوند عزوجل میفرماید: اموال خودتان را - که خداوند سبب قوام زندگانی شما قرار داده - در اختیار سفیهان قرار ندهید. (نساء آیه ۵) آیا بیخرد و سفیهی می شناسی که از شرابخواری بی خردتر باشد؟ آنگاه امام صادق از پدرشان نقل کردند که فرمود: همیشه بنده از طرف خداوند متعال در گشایش است تا اینکه شراب بنوشد، وقتی شراب نوشید، خداوند پرده و لباس او را پاره کرده و دوست و برادر او ابلیس است، گوش، چشم، دست و پای او، او را وادار به هر شری می نمایند و او را از هر خیری باز می دارند.^۱

در روایات^۲ دیگر از عبادت شرابخوار، و حضور در تشییع جنازه اش نهی شده، که همه این روایتها تأکید در تحریم و مبارزه منفی با شرابخوار می باشد، تا اینکه او را ممانعت از شرابخواری نمایند، اگر چه گاهی ممکن است تصور شود که تحریم شرابخوار موجب وقاحت او می شود، ولی باید بدانیم که تحریم در صورتی است که شرابخوار در جامعه تنها می شود که جز ترک عمل شیطانی و فعل پلید، از انزوا نجات پیدا نخواهد کرد، اما اگر در جامعه به اندازه ای معصیت کار وجود داشته باشد که تحریم شرابخوار سبب آن شود که باند فساد بوجود آید، مسلماً تحریم، راه مبارزه نخواهد بود و باید با کیفر و مؤاخذه از شرابخواری ممانعت به عمل آید، لذا در دستورات اسلام علاوه بر تحریم شرابخوار، کیفر و مجازات را نیز از اسباب بازدارنده از شرابخواری دانسته و برای شرابخواری کیفر مشخص نموده است.

لازم به ذکر است حرمت شراب، محدود به فرد مشخصی از آن که «خمر» نام دارد یا اندازه مشخص نیست، بلکه هر چیزی که جنس آن مست کننده، و مست کنندگی صفت غالب آن جنس باشد، اگر چه بعضی مردم با نوشیدن آن مست نشوند، حتی نوشیدن یک قطره از آن حرام است، مثلاً قاع، آبجو اگر چه مست نکند حرام است، برای اینکه در نزد فقهاء امامیه قناع بمنزله خمر است^۳ چنانکه عمار بن موسی گفته است:

۱- وسائل الشیعه ج ۲۵ باب ۱۱ از ابواب اشربه مجرمه حدیث ۳۱۱

۲- وسائل الشیعه ج ۲۵ باب ۱۱ از ابواب اشربه مجرمه حدیث ۲-۳-۴-۷-۸-۹ مراجعه شود

۳- الروضة البهیه فی شرح للمعة الدمشقیه ج ۹ ص ۱۹۷

سألت أبا عبد الله عن الفقال؟ فقال: هو خمر^۱

یعنی از امام صادق علیه السلام از حکم فقاع پرسیدم، آن حضرت فرمودند: فقاع همان خمر است. همچنین هشام بن حکم می گوید

سألت أبا عبد الله عن الفقاع؟ فقال: لا تشربه، فانه خمر مجهول، و اذا أصاب ثوبك فاغسله
یعنی: از امام صادق راجع به فقاع سؤال کردم، آنحضرت فرمودند: آن را نیشامید، زیرا قاع همان خمر است که خمر بودنش مجهول است، هرگاه فقاع به لباس تو برخورد کرد آن را بشوی.

همچنین عصاره انگور در صورتی که بجوشد، بگونه ای که مایعات پائین ظرف، بالا بیاید و بالا پائین برود، و قل قل نماید، بشرطی که تبدیل به سرکه نشده باشد یا دو سوم آن از بین نرفته و کم نشده باشد، نوشیدنش حرام است، چنانکه حماد بن عثمان گفته اند:
سألت أبا عبد الله عن شرب العصير قال: تشرب مالم يغل، فاذا غلى فلا تشربه قلت: أى شيء الغليان؟ قال: القلب^۲

یعنی: از امام صادق از آشامیدن عصاره انگور پرسیدم فرمود: تا زمانی که به جوش نیامده بنوش، هرگاه بجوش آمد آن را نیشام. عرض کردم: جوش آمدن چیست؟ فرمود زیر و رو شدن ذریع گفته است: سمعت أبا عبد الله يقول: اذان العصير أو غلى حرم. یعنی: شنیدم امام صادق میفرمودند: هرگاه عصاره انگور قل قل می خورد یامی جوشد، نوشیدن آن حرام است.

بخش چهارم: کیفر شرابخواری

فرد بالغ عاقل از روی علم و اختیار شراب یا هر مست کننده دیگری را بیاشامد، در صورتی که مسلمان باشد واجب است مجازات گردد، و کیفر او هشتاد تازیانه است چنانکه اسحاق بن عمار گفته اند:

سألت أبا عبد الله عن رجل شرب حسوة خمر قال: يجلد ثمانين جلدة قليلة و كثيرها حرام.^۳
یعنی: از امام صادق پرسیدم از کیفر مردی که یک جرعه شراب نوشید، امام فرمودند: هشتاد تازیانه بر او زده می شود شراب کم و زیاد آن حرام است.

۴- وسائل الشیعه ج ۲۵ باب ۲۷ از ابواب اشربه محرمه حدیث ۴ ص ۳۶۰

۱- وسائل الشیعه ج ۲۵ باب ۳ از ابواب اشربه محرمه حدیث ۳ ص ۲۸۷

۲- وسائل الشیعه ج ۲۸ باب ۱ از ابواب حد مسکر حدیث ۱ ص ۲۱۹ و باب ۳ از همان ابواب حدیث ۷ ص ۲۲۳

محمد بن حنیفه از پدرش علی بن ابیطالب روایت کرده که آنحضرت فرمودند:

«ان رسول الله [ضرب فی الخمر ثمانین]^۱»

یعنی: پیامبر [در کیفر نوشیدن شراب، هشتاد تازیانه زد..]

هرگاه کافری که در پناه حکومت اسلامی و در جامعه مسلمانان زندگی میکند، تظاهر به شرابخواری کند، همانند مسلمانان شرابخوار به هشتاد تازیانه مؤاخذه می شود، چنانکه محمد بن قیس از ابوجعفر امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که آنحضرت [فرمودند: قضی امیر المؤمنین أن یجلد الیهودی و النصرانی فی الخمر و النبیز المسکر ثمانین جلدۀ اذا أظہر و اشربه فی مصر من امصار المسلمین، و كذلك المجوس، ولم یعرض لهم اذا شربوها فی منازلهم و کنائسهم حتی یصیروا بین المسلمین.

یعنی: امیرالمؤمنین علی در مورد یهودی و نصرانی در آشامیدن شراب و است کننده ای که از خرما یا انگور ساخته می شود حکم به زدن هشتاد تازیانه نموده است، بشرط آنکه آنها در شهری از شهرهای مسلمانان تظاهر به آشامیدن آنها نمایند، زرتشتیها نیز حکم یهودیها و ارمنی ها را دارند. در صورتی که آنها در خانه های خودشان یا مراکز عبادی خودشان شراب می خورند، متعرض آنها نمی شد تا اینکه ر مسلمانان بیایند.

بخش پنجم: کیفیت تازیانه زدن بر شراب خوار

بابت کیفر و شلاق زدن شرابخوار، لازم است که شرابخوار برهنه باشد، و شلاق بر پشت و کتف او زده شود، و از زدن صورت، عورت، و جاهای مرگبار خودداری شود و زدن شلاق بر تمام بدنش تقسیم شود، چنانکه ابوبصیر روایت کرده اند:

سألته عن السكران والزانی؟ قال: یجلدان بالسیاط مجردین بین الکتفین^۲.

یعنی: از امام از کیفر شرابخوار و زناکار پرسیدم، پاسخ دادند: در حالیکه برهنه هستند با شلاق میان کتف های آنها زده می شود.

لازم به ذکر است که آیه الله خونی فرموده اند: در صورتی که شرابخوار مرد باشد، به صورت برهنه شلاق زده می شود اما اگر زن باشد، از روی لباسش، شلاق زده می شود، زیرا اولاً روایتی که در کیفیت شلاق زدن شرابخوار وارد شده در مورد مرد می باشد، و اختصاص به مرد دارد،

۳-وسائل الشیعه ج ۲۸ باب ۳ از ابوابحد مسکر حدیث ۸ ص ۲۲۳

۱-وسائل الشیعه ج ۲۸ باب ۸ از ابواب حدمسکر حدیث ۱ ص ۲۳۱

ثانیا بدن زن عورت است و نباید آشکار شود.^۱

- امام خمینی رحمه الله علیه نیز فرمودند: مرد در حالت ایستاده و عریان شلاق زده می شود و زن در حالت نشسته و در حالیکه لباسش به تن او بسته باشد، شلاق زده می شود.. در قانون مجازات اسلامی فتوای امام خمینی ترجیح داده شد، چنانکه در ماده ۱۷۶ گفته شده: مرد را در حالی که ایستاده باشد و پوشاکی غیر از ساتر عورت نداشته باشد، و زن را در حالیکه نشسته و لباسهایش به بدن او بسته باشد تازیانه می زنند. مرحوم شهید اول نسبت به زمان زدن تازیانه، حرفی نزدند، اما امام خمینی فرمودند: بعد از آنکه شرابخوار از مستی شراب به هوش آمد، شلاق و حد بر او زده می شود.^۲ در قانون مجازات اسلامی نیز در این مسئله از فتوای امام خمینی تبعیت شده و در ماده ۱۷۷ گفته شده: حد وقتی جاری می شود که محکوم از حال مستی بیرون آمده باشد.

بخش ششم: حکم تکرار شرابخواری

هرگاه شرابخوار بعد از مؤاخذه شدن، شرابخواری را تکرار نماید، فتوای مشهور فقهاء امامیه اینست که در دفعه سوم - یعنی بعد از دو بار مجازات شدن کیفر او قتل است.^۳ اما شهید اول گفته اند: در دفعه چهارم شرابخوار به قتل می رسد^۴، مستند فتوای شهید روایتی است که شیخ صدوق به صورت مرسل روایت کرده اند^۵ ولی در مقابل مرسل شیخ صدوق، احادیث صحیح متعددی وجود دارد که صراحت دارند، شرابخوار در دفعه سوم به قتل میرسد، چنانکه سلیمان بن خالد از امام صادق نقل کردند که آنحضرت فرمودند:

قال رسول الله من شرب الخمر فاجلدوه، فان عاد فاجلدوه، فان عاد الثالثة فاقتلوه.^۶

یعنی رسول خدا [فرمودند: کسی که شراب خورد او را شلاق بزنید، اگر مجدده شراب نوشید مجددا او را تازیانه بزنید، اگر بار سوم تکرار کرد او را بکشید.

به همین مضمون ابو عبیده از امام صادق علیه السلام نیز روایت کرده^۱ و یونس از ابوالحسن

۲- تکملة المنهاج و مبانی تکملة المنهاج ج ۱ ص ۲۷۴

۱- تحریر الوسيله ج ۲ ص ۴۸۰

۲- مبانی تکملة المنهاج ج ۱ ص ۲۷۴

۳- للمعه الدمشقيه ص ۲۵۹ و نیز مراجعه شود به كتاب الخلاف ج ۵ ص ۴۷۳ والمبسوط في الفقه الاماميه ج ۷ ص ۵۹

۴- من لا يحضره الفقيه ج ۴ ص ۴۰ و وسائل الشيعه ج ۲۸ باب ۱۱ از ابواب حد مسكر حديث ۹ ص ۲۳۵

۵- وسائل الشعه ج ۲۸ باب ۱۱ از ابواب حد مسكر حديث ۱ ص ۲۳۳

ماضی یعنی امام موسی کاظم قل کرده که فرمودند:

اصحاب الكبائر كلها اذا أقيم عليهم الحدود مرتين قتلوا في الثالثة^۲

یعنی: مرتکبین گناهان کبیره در صورتی که دوبار کیفر شوند در مرتبه سوم کشته می شوند، و این برای همه گناهان کبیره می باشد. از این جهت شهید ثانی فتوای به کشته شدن شرابخوار در دفعه سوم را قوی توصیف کرده^۳ و امام خمینی فتوای کشته شدن در دفعه چهارم را به گفته شده نسبت دادند^۴ که نشانه ضعیف بودن آن فتوی می باشد.

طبق نظر اهل سنت معاویه می فرماید که: رسول خدای فرمود: «هرکسی خمر بنوشد او را تازیانه بزنید اگر تکرار کرد در مرتبه چهارم او را بکشید».^۵

حدیث کشتن شارب خمر برای بار چهارم؛ برخی از علما عمل بدان را صحیح می دانند چنانکه ابن حزم می گوید: شارب خمر برای بار چهارم در هر حالتی کشته می شود، اما ابن تیمیه گفته: هرگاه نیازی بود کشته می شود یعنی زمانی که مردم جز با کشتن او متنبه نشوند.^۶

ترمذی می فرماید: در ابتدای امر، حکم چنین بود اما بعداً نسخ گردید.

و از جابر بن عبدالله روایت شده است که رسول خدای فرمود: «هرکسی خمر بنوشد او را تازیانه بزنید و اگر باز تکرار کرد در مرتبه چهارم او را بکشید، بعد از آن مردی را آوردند که برای چهارمین بار خمر خورده بود، او را تازیانه زد و او را نکشت».

زهری به نقل از قبیصه بن ذؤب نیز چنین حدیثی را از رسول خدا نقل کرده و گوید: به عنوان رخصتی حکم قتل برداشته شد.

به نزد عامه اهل علم، عمل بر این حدیث بوده و از قدیم تا به حال خلافتی را در این باره سراغ نداریم. آنچه این مطلب را تقویت می کند روایتی است که از راه های متعددی از رسول خدای نقل شده که رسول خدای فرمود: «خون مسلمانی که گواهی دهد معبودی

۶- وسائل الشیعه ج ۲۸ باب ۱ از ابواب حدمسکر حدیث ۳ ص ۲۳۴

۷- وسائل الشیعه ج ۲۸ باب ۱ از ابواب حدمسکر حدیث ۲ ص ۲۳۴

۸- الروضة البهیمة فی شرح اللمعة الدمشقیة ج ۹ ص ۲۰۶

۱- تحریر الوسیله ج ۲ ص ۴۸

۵- ابن ماجه حدیث (۲۵۷۲) و ابوداود حدیث (۴۴۶۰) - نسائی حدیث (۳۱۴)

۶- مصطلح حدیث از بن العثیمین ترجمه محمد عبداللطیف

جز الله نیست و من فرستاده خدا هستم، حلال نیست به غیر از یکی از این سه راه: کشتن نفس در برابر نفس، متأهلی که زنا کند، و کسی که از دین خود برگردد». (روایت از ترمذی).

فقها بر وجوب حد شراب خوار که تازیانه است اتفاق دارند ولی در مقدار آن اختلاف دارند: بنابر مذهب احناف و مالک، هشتاد تازیانه است. بنابر مذهب شافعی، چهل تازیانه است. و از احمد دو روایت منقول است: یکی، هشتاد تازیانه. و دیگری، چهل تازیانه. اما امر به قتل شراب خوار در صورت تکرار نسخ شده است.

قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۷۹ فتوای مشهور را تبعیت کرده، و کیفر قتل در دفعه سوم تعیین نموده است. اما اگر شرابخوار مکرر شراب نوشید، ولی بابت شرابخواری مجازات نشده و اولین بار بابت شرابخواری محکوم گردیده، دفعه اول محسوب می شود و فقط هشتاد تازیانه بر او زده می شود.

بخش هفتم: حکم شرابخواری که شرابخواری را حلال میداند

بسیاری از احکام اسلام است که تعداد زیادی از مسلمانان از آن احکام بی اطلاع هستند اما بعضی از احکام اسلام به گونه ای در جامعه اسلامی معروف و شناخته شده است، که کسی نیست از آن حکم بی خبر باشد، مگر فردی که تازه مسلمان شده باشد، یا در بادیه زندگی می کند که ارتباط با محل تجمع و اطلاع رسانی مسلمانان ندارد، بقیه افراد آن حکم را می شناسند، مثلاً هر مسلمانی میداند که نماز واجب است، نماز روزانه هفده رکعت است و احکام از این گونه که کسی پیدا نمی شود بگوید: من آن حکم را نمی دانستم. اینگونه احکامی که معروف است و همه آن را می شناسند از نظر اصطلاحی «ضروریات دینی» می نامند. انکار ضروریات دین موجب کفر می شود، یعنی: اگر مسلمانی یکی از احکامی که همه مسلمانان آن حکم را حکم اسلام میدانند را منکر شود، مثلاً وجوب نماز روزانه را منکر شود کافر می شود و از دین خارج می گردد. حکم حرمت شراب در اسلام، از ضروریات دین و شرع مقدس اسلام است و هر کس آن را انکار نماید و بگوید: خوردن شراب حلال است، کافر می باشد. هرگاه کسی که حرمت شراب را انکار می کند و اظهار میدارد که حلال است اگر مسلمان زاده باشد، با حلال دانستن شراب، کافر فطری می باشد، اما اگر مسلمان زاده نباشد، اگر کافر ملی باشد،

او را وادار به توبه می نمایند و او را از عقیده به حلال بودن شراب توبه می دهند، اگر توبه کرد، مجازات نمی شود، اما اگر توبه نکرد کشته می شود، اما اگر کافر فطری باشد، نسبت به توبه دادن یا ندادنش اختلاف است، شیخ طوسی^۱ و قاضی ابن براج^۲ گفته اند: کافر فطری توبه داده می شود، اما مشهور فقهاء امامیه از آن جمله شهید اول^۳ و شهید دوم^۴ گفته اند: توبه داده نمی شود، همین که عقیده به حلال بودن شراب داشته باشد و حرمت آن را انکار نماید کشته می شود. حکم مذکور اختصاص به مردان دارد، اما زنان اگر شراب را حلال بدانند، چه مرتد فطری باشند یا ملی، توبه داده می شوند.

کیفر قتل فقط برای شرابخواری است که آشامیدن «خمر» را از نظر اسلام یا به نظر خودش حلال بدانند، اما اگر کسی آشامیدن مست کننده های دیگری مثل «فقاق» (آبجو) یا «نبیذ» (شرابی که از خرما یا انگور ساخته می شود) و امثال آن را حلال بدانند، کیفر حلال دانستن آن مست کننده ها قتل نیست، زیرا در حرام بودن آن مست کننده ها، میان مسلمانان اختلاف است^۵ و انکار حرمت آنها مستلزم انکار ضروریات دین نیست و در نتیجه به کفر منتهی و منجر نمی شود.

کیفری که برای حلال دانستن دیگر مست کننده ها وضع گردیده همان تعزیر است.^۶ در اسلام نه تنها آشامیدن مشروبات مست کننده حرام است، بلکه خرید و فروش آنها نیز حرام است، اگر مسلمانی اقدام به فروش مشروب و مست کننده دیگر در جامعه اسلامی نماید، تعزیر می شود^۷ بشرط آنکه فروختن مشروب را حلال نداند، اگر فروختن خمر را حلال بدانند، او را از عقیده به حلال دانستن فروختن خمر توبه می دهند، اگر از اوبه امتناع و خودداری کرد، کشته می شود اما اگر کسی فروختن مست کننده های دیگر غیر از خمر را حلال بدانند، توبه داده می شود، اما اگر از عقیده خودش توبه نکرد، کیفر او قتل نیست، بلکه تعزیر می شود.

۱. النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی ص: ۷۱۱

۲. المذهب ج ۲ ص ۵۳۵ به ص: ۲۵

۳. اللمعة الدمشقیة ص: ۲۵۹۹

۴. الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة ج ۹ ص ۲۰۶

۱. کتاب الخلاف ج ۵ ص ۴۷۵ مسئله ۳ از کتاب الاشریه

۲. هایة فی مجرد الفقه و الفتاوی ص: ۷۱۲

۳. الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة ج ۹ ص: ۲۰۷، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی ص: ۷۱۲- ۷

شاطبی در اعتصام نمونه ای جالب از پیروی از هوی را، که موجب تأویل باطل کتاب خداست، (بدعت در تفسیر قرآن) نقل می کند:

گروهی از مردمان شام شراب نوشیدند (در آن وقت یزید بن ابی سفیان امیر آنجا بود). آن ها گفتند: که این کار برای ما حلال است و با تأویل این آیه بر صحت کار خود، استدلال کردند: «بر کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند گناهی در آنچه که می خورند نیست، اگر تقوی گزینند و اینکه ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام می دهند. سپس تقوی را رعایت می کنند و ایمان می آورند. سپس تقوا را رعایت می کند و نیکی می کنند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد» ولی امر آن ها در مورد احوال و تأویلهای نامہ ای به امیرالمؤمنین، عمر بن خطاب (رضی الله عنه) نوشت. عمر (رضی الله عنه) در جواب نوشت: آن ها را پیش از آنکه اطرافیان را فاسد کنند نزد من بفرست. و وقتی که آن ها نزد عمر (رضی الله عنه) رسیدند، عمر (رضی الله عنه) در مورد آن ها با صحابه مشورت کرد. مردم گفتند: ای امیرمؤمنان، نظر ما این است که این ها برخدا دروغ بسته اند و در دین او چیزی را تشریع و ابداع کرده اند که خدا به آن راضی نیست. لذا گردنشان را بزن. در این اثناء علی (رضی الله عنه) ساکت بود. عمر فاروق (رضی الله عنه) فرمود: ای ابالحسن (رضی الله عنه)! نظر تو چیست؟ وی فرمود: نظر من این است که آن ها را به توبه دعوت کن، اگر توبه کردند، آن ها را به خاطر شرب خمر ۸۰ ضربه تازیانه بزن و اگر توبه نکردند گردنشان را بزن، چون آن ها بر خدا دروغ بسته اند و چیزی را که خدا به آن راضی نیست، تشریع کرده اند.^۱

بخش هشتم: راههای اثبات شرابخواری در دادگاه

هرگاه، بالغ، عاقل، آزاد از روی اختیار دو بار اقرار به شرابخواری نماید، یا اینکه دو نفر مرد عادل به شرابخواری کسی شهادت و گواهی دهند، معصیت او اثبات می شود. اما اگر یکی از گواهان شهادت به آشامیدن شراب دهد و دیگری گواهی به قی و استفراغ نمودن شراب دهد، شیخ طوسی^۲ گفته اند: جرم مشهود علیه با چنین شهادت ثابت می شود و حد بر او اقامه می گردد، مستند فتوای شیخ طوسی روایتی است که بر اساس نقل حسین بن زید، امام صادق از پدرش روایت کرده که آنحضرت فرمود: قدامه بن مظعون را به نزد عمر بن خطاب آورند که دو

۱- ابواسحاق الشاطبی، الاعتصام ج ۲ ص: ۴۶

۲- النهایه ص: ۷۱۱

مرد بر او شهادت دادند، یکی از آنها گفت که قدامه را دید، شراب می نوشید، دیگری گفت که قدامه را دید، شراب را استفراغ می کرد، عمر گروهی از صحابه پیامبر [را حاضر کرد که امیرالمؤمنین علی در جمع آنها بود، عمر به علی عرض کرد: ای ابوالحسن رأی تو چیست؟ بدرستی که تو کسی هستی که پیامبر [نسبت به تو فرمودند: أعلم و داناترین این امت و قضاوت کننده ترین به حق این امت هستی، این دو مرد شهادت مختلف و متفاوت دادند. حضرت علی فرمودند: شهادت این دو مرد مختلف و متفاوت نیست، زیرا شراب را قی و استفراغ نکرده مگر آنکه آن را آشامیده بود^۱.

اما شهید اول رأی شیخ طوسی را با لفظ «قیل» یعنی (گفته شده) نقل کرده که تعبیر شهید اول دلالت دارد که او رأی شیخ طوسی و مستند او را ضعیف می داند، اگر چه شهید ثانی از کتاب غایه المراد شهید اول نقل کرده که او روایت منقول از حضرتعلی را پذیرفته و گفته که فتوای فقهاء امامیه بر آن روایت استقرار یافته و مخالفی در مسئله شناخته نشده است^۲.

ولی علامه حلی در مختلف گفته اند. با این گونه شهادت، تعداد شهادتها به حد نصاب نمی رسد و بینه کامل نمی گردد زیرا احتمال اکراه با احتمال عدم علم به مست بودن نسبت به آشامنده می رود، لذا او پس از آشامیدن، شراب را قی و استفراغ کرده است. به عبارت دیگر، احتمال دارد که او از روی اکراه شراب خورده باشد، یا اینکه نمی دانست که این مایع مست کننده است و آن را آشامیده، پس از آشامیدن، رفع اکراه از او شد، یا اینکه علم به مست کننده بودن آن پیدا کرد، از این جهت آن را قی نموده است، پس با شهادت برقی، کامل کننده بینه و اثبات کننده شرابخواری نیست. اما بنظر می رسد که این احتمال ها تضعیف کننده اعتبار شهادت و گواه نباشد و شهادت مذکور مقبول باشد. به هر حال اگر یکی شهادت دهد که روز جمعه قی و استفراغ کرده و دیگری شهادت دهد که روز شنبه شراب نوشیده، جرم اثبات نمی شود، زیرا شهادت آنها با همدیگر هماهنگی ندارد، مگر آنکه نسبت به هر یک از قی و شرب در شهادت اقامه شود.

۳- وسائل الشیعه ج ۲۸ باب ۱۴ از ابواب حد مسکر حدیث: ۱ ص: ۲۳۹

۱- الروضة البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیه ج ۹ ص: ۲۰۹

بخش نهم: ادله ثبوت حد شرب خمر از دیدگاه فقهای اهل سنت

۱ - اعتراف شخص، علیه خودش مبنی بر شرب خمر.

۲ - شهادت دو نفر شاهد عادل.

فقها در ثبوت حد به وسیله بوی خمر اختلاف دارند:

بنابر مذهب علماء مالکيه هرگاه دو نفر عادل به نزد حاکم گواهی بر بوی آن دادند حد واجب می شود، چون بوی خمر دلالت بر شرب آن دارد. و بنابر مذهب ابوحنیفه و شافعی به وسیله بو، ثابت نمی شود؛ زیرا شبه وجود دارد، و بوهای متشابه وجود دارد، و شبهات حدود را دفع می کند.

بخش دهم: حکم اضطرار و اکراه به شرب خمر

هرگاه زن، یا مرد مسلمان از جانب دیگران مجبور و مکره به شرب خمر شد حدی بر وی نیست خواه اکراه با تهدید به قتل، یا زدن و شکنجه طاعت فرسا صورت گیرد یا با اتلاف مال و سرمایه، زیرا اکراه گناه را مرتفع می سازد؛ زیرا خداوند متعال می فرماید: {فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ} [البقرة: ۱۷۳]. «ولی آن کس که مجبور شود (به خاطر حفظ جان از آن اشیاء حرام بخورد) (در صورتی که علاقمند به خوردن و لذت بردن از چنین چیزهایی نباشد) و متجاوز از حد سد جوع هم نباشد گناهی بر او نیست».

حد و کیفر شراب خوری در صورتی بر شرابخوار اقامه می شود که از روی اختیار و اراده شراب بنوشد، اما اگر کسی را مجبور به شراب خوردن نمایند و اکراه و الزام به آشامیدن. شراب شود، مجازات و مؤاخذه نمی شود، زیرا اکراه، سبب رفع تکلیف است، یعنی اگر اکراه به کاری شود، حکم آن کار از او برداشته می شود، و تکلیفی نسبت به حکم آن کار ندارد، مثلاً اگر اکراه به آشامیدن شراب شود، حرمت شراب از او برداشته می شود، چنانکه رسول خدا [فرمودند :

رفع عن أمتي تسعة أشياء: الخطاء، و النسيان، و ما أكرهوا عليه...^۱

یعنی: نه چیز از امت من برداشته شده، فعلی که از خطاء، فراموشی، و اجبار انجام دهند حکم تکلیفی آن فعل از آنها برداشته و مرفوع است.

بنابراین اگر علیه کسی در دادگاه شهادت به شرابخواری داده شد، و مشهود علیه ادعا کرد که از روی اکراه شراب خورده است، در صورتی که شاهد و گواه ادعای او را تکذیب نکنند، مثلاً،

۱- وسائل الشیعه ج ۱۵ باب ۵۶ از ابواب جهاد نفس حدیث ۱ ص: ۳۶۹

نگفته باشد که او اختیار شراب نوشیده، یا بعد از ادعای او، نگوید که او دروغ می گوید، ادعای مشهود علیه پذیرفته می شود و حد از او دفع می گردد، زیرا اصل در مؤمن اینست که دروغ نمی گوید و در ادعایش صادق و راستگو می باشند، و پیامبر [فرمودند: «ادروا الحدود بالشبهات»^۱ یعنی: حدود را با شبهه هائی که برایتان پیش می آید، دفع نمائید. وقتی که او ادعای اکراه را نموده، شبهه اکراهی بودن شرابخواری او پیش می آید، پس لازم است حد از او دفع شود.

بر اساس تفکر فقهی اسلام، احکام شرع در واقع و نفس الأمر، برای موضوعات و عناوین اولیه وضع می شود، لکن تکلیف به آن احکام منوط به حالات و وضعیت مکلف دارد، یعنی: ممکن است حکم نفس الامر و واقعی چیزی حلال بودن باشد، اما برای مکلفی در حالت خاص آن چیز حرام شود، با اینکه حکم واقعی چیزی حرمت باشد، اما برای مکلفی آن شی حلال شود، لذا اگر کسی در شرایط خاصی مضطر و بیچاره به نوشیدن خمر و شراب شده باشد، حکم حرمت شراب در آن شرایط خاص برای او مرفوع و داده می شود، و برایش جایز است که شراب بنوشد، و گاهی برایش واجب است که

آب بنوشد، مثلاً اگر بر کسی تشنگی غلبه کرده و مضطر و بیچاره به نوشیدن شراب شده باشد به گونه ای که اگر شراب ننوشد، می میرد، با اینکه مضطر و مرطوب کردن لقمه غذا به شراب شده که اگر مرطوب نکند، لقمه از گلویش پائین نمی رود و اگر لقمه را نبلعد می میرد، در این صورتها آشامیدن شراب برایش حلال است، و اگر شراب را در حالت اضطرار بنوشد، مؤاخذه و مجازات نمی شود، چنانکه رسول خدا [فرمودند:

وضع عن امتی تسع خصال: الخطأ، و النسيان، و مالا يعلمون، و مالا يطيقون و ما اضطروا اليه ۲۰۰۰

یعنی: نه چیز از امت من برداشته شده، اشتباه، فراموشی، چیزی که به آن علم نداشته باشند، چیزی که توان انجام آن را نداشته باشند، و آنچیزی که مضطر به انجام آن شده باشند، از امت من برداشته شد. بنابراین تکلیفی که برای موضوعات و عناوین در واقع و نفس الامر وضع گردیده در شرایط اضطراری برداشته می شود.

۲- وسائل الشیعه ج ۲۸ باب ۲۴ از ابواب مقدمات حدود حدیث: ۴: ص: ۴۷

۱- وسائل الشیعه ج ۱۵ باب ۵۶ از ابواب جهاد نفس حدیث: ۳: ص: ۳۷۰

کیفر آشامیدن «نبیذ» در صورتی که معتقد به حلال بودن آن باشد. امر بامر قبلا گفتیم که اگر کسی معتقد به حلال بودن «خمر» باشد، کیفرش قتل است، اما اگر معتقد به حلال بودن «نبیذ» شرابی که از خرما یا انگور ساخته می شود باشد، کیفرش قتل نیست، بلکه تعزیر می شود، زیرا اعتقاد به حلال بودن نبیذ، منجر به انکار ضروری دین نمی شود، لذا اگر با اعتقاد به حلال بودن نبیذ، شرب نبیذ کرد، بابت شرب نبیذ، هشتاد تازیانه بر او زده می شود و بابت اعتقاد به حلال بودن آن، تعزیر می گردد و مجازات شدن بابت یکی از آنها، سبب رفع مجازات برای معصیت دیگر نمی شود. به عبارت دیگر هر یک از اعتقاد به حلال بودن شرب نبیذ، و شرب نبیذ، سبب مستقلی برای مجازات و کیفر هستند، و کیفر از بابت یکی از آنها، جای کیفر از آن سبب دیگر را نمی گیرد، و اعتقاد به حلال بودن، شبهه موجب درء و دفع حد نیست، زیرا نصوص صریحی بابت مجازات شرب مست کننده های دیگر غیر از خمر وارد شده و آن نصوص بسیار است، و آن نصوص، نسبت به صورتهای اعتقاد به حرام بودن یا حلال بودن آشامیدن نبیذ و امثال آن مطلق است، کسی که اعتقاد به حرمت شرب آن داشته باشد و بنوشد کیفر می شود، به طریق اولی اعتقاد به حلال بودن آن داشته باشد، کیفر می شود.

بخش دهم: حکم جاهل نسبت به موضوع یا حکم شراب

در تفکر فقهی امامیه، زمانی تکلیف نسبت به مکلفین قطعی و منجز می شود که مکلفین علم به موضوع یا حکم تکلیف داشته باشند، بنابراین اگر کسی نسبت به مایعی جاهل باشد که مست کننده است، و آن را نوشید، یا اینکه تازه مسلمان شده و یا اینکه دور از شهر و محل تجمع و اطلاع رسانی مسلمین زندگی می کند و از حکم حرمت شراب بی خبر مانده است، و شراب نوشیده، مجازات نمی شود، چنانکه در حدیث سابق الذکر از پیامبر آمده که از کسی که علم به تکلیف ندارد، تکلیف از او برداشته می باشد.

نتیجه گیری

مشروبات الکلی نجس و نوشیدن آنها حرام است براساس ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی مسرف مسکر موجب حد است. مسرف مشروبات الکی روز به روز در حال گسترش در سطح جامعه است همچنین شواهد دال بر گسترده شدن مصرف مشروبات الکلی در سالهای اخیر بین جوانان می باشد. مصرف شراب قوای عاقله را تضعیف می کند تا حدی که ممکن است به جنون بینجامد بدین ترتیب شرب هر چیز سکر آور از جرائم تجاوز به عقل است و مصلحت

فردی و اجتماعی اقتضا می کند که استعمال آن شرعا و قانونا ممنوع باشد، و با آن مبارزه شود از این پژوهش می توان نتیجه گرفت که مستی و بی اردگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و نظایر آنها مانع مجازات نیست مگر اینکه ثابت شود مرتکب حین ارتکاب جمع به طور قطعی مسلوب الاختیار بوده اما چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقیق آن بوده است و جرم مورد نظر واقع شود متهم به مجازات هر دو جرم محکوم می شود. لذا مسئولان کشور و برنامه ریزان باید برنامه های لازم را برای کنترل و کاهش مصرف مشروبات الکلی طراحی و اجرا نمایند تا این معضل خانمان سوز در کشور اسلامی ما به حداقل برسد.

منابع و مأخذ

*قرآن مجید

- ۱- احمد بن شعيب بن على نسائي (م، ۳۰۳ ق)- سنن نسائي - بيت الأفكار الدولية رياض
- ۲- ابن ادریس حلی (م ۵۹۸ق)- السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى_جامعة المدرسين قم
سال نشر ۱۴۱۰
- ۳- ابواسحاق ابراهيم بن محمد بن احمد مؤيدى شاطبي - الاعتصام - دارالمعرفة بيروت
- سال ۱۴۲۰ ق
- ۴- جهانگیر، منصور قانون مجازات اسلامي، تهران، نشر ديدار، ۱۳۹۱
- ۵- خوئی، سيد ابوالقاسم، ۱۲۷۸ - ۱۳۷۱_ مباني تكملة المنهاج _ قم حقوق اسلامي
۱۳۹۴
- ۶- روح الله موسوسى خمينى - تحرير الوسيله - ترجمه الاسلامي - على، قم، دفتر انتشارات
اسلامي ۱۳۸۳
- ۷- سليمان بن اشعث سجستاني (۲۰۲ _ ۲۷۵ هـ) - سنن ابیداوود - دار الحديث قاهره
سال ۱۴۲۰
- ۸- شهيد اول - اللمعة الدمشقيه - ترجمه و تبیین محسن غزويان و على شيروانى - قم
دار الفكر ۱۳۹۰
- ۹- شهيد دوم متوفای ۹۶۶هـ- الروضة البهيّة فى شرح اللمعة الدمشقيه- به
تحقيق سيد محمد كلانتر _ ۱۳۸۶
- ۱۰- شيخ طوسى (م ۴۶۰ ق)- المبسوط فى فقه الإمامية- تهران المكتبة المرتضوية لإحياء
الآثار الجعفرية _ سال ۱۳۸۷ ق
- ۱۱- شيخ طوسى (متوفای ۴۶۰ ق)- الخلاف _ قم- جامعة المدرسين _ سال ۱۳۸۰
- ۱۲- شيخ طوسى (م ۴۶۰ ق)، مؤلف كتاب النهاية فى مجرد الفقه و الفتاوى، _ دار الكتاب
العربى بيروت سال ۱۴۰۰ ق
- ۱۳- شيخ طوسى (متوفای ۴۶۰ ق)- النهاية _ دار الكتاب عربى بيروت ۱۴۰۰ ق
- ۱۴- شيخ صدوق (م ۳۸۱) _ مَنْ لَا يَخْضُرُهُ الْفَقِيه _ جامعة المدرسين قم _ ۱۴۱۳ ق
- ۱۵- علامه حلى (م ۷۲۶ ق)- مختلف الشيعة فى أحكام الشريعة- جامعة المدرسين قم سال

۱۶- قاضی ابن براج (م ۴۸۱ ق) _ المذهب _ جامعه المدرسين قم - سال ۱۴۰۶ ق